

خوراب، دامین و شهر سوخته: نگاهی به ساختار معماری قبور و شیوه‌های تدفین

مهدی کیخایی*

چکیده

شهر سوخته در طول هزاره سوم پم بین مسیرهای تجاری قرار داشته و رابطی مابین تمدن‌ها و محوطه‌های باستانی شرقی نظیر بلوچستان پاکستان، شهداد در غرب، محوطه‌های باستانی آسیای میانه در شمال و محوطه‌های باستانی جنوبی‌تر نظیر خوراب، دامین و بمپور بوده است. در این بین مهاجرت به شهر سوخته به دلیل موقعیت خاص استراتژیکی (جغرافیایی - تجاری) و شرایط زیست محیطی، موجب ایجاد طبقات مختلف اجتماعی گردیده است، و با وجودیکه در زیر لوای حکومت مرکزی بودند دارای یکسری اعتقادات خاص منطقه‌ای نیز بودند. این چند عامل باعث به وجود آمدن یکسری نقاط مشترک بین این محوطه‌ها شده است، که در این جستار نقاط اشتراک چند محوطه‌ی یاد شده را از نقطه‌نظر ساختار معماری گورها و شیوه‌های تدفین بر خواهیم شمرد.

کلید واژگان: خوراب، دامین، شهر سوخته، ساختار معماری، قبور، تدفین.

* ۱- عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول E-Mail: hoshider_m@yahoo.com

مقدمه

یکی از ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی هر جامعه نحوه تدفین آنان است. از نحوه تدفین در جوامع و فرهنگ‌های مختلف می‌توان به شناختی از فرهنگ و مذهب آنان نائل شد. قبور، داده‌های مختلفی درباره باستان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی را در خود جای داده‌اند که با مطالعه دقیق این داده‌ها می‌توان آن جامعه و مردمی را که صاحب این قبور هستند بیشتر و بهتر شناخت. با مطالعه بقایای استخوان‌های انسانی یا حیوانی یک قبر می‌توان سن و جنس صاحب قبر را تشخیص داد و بیماری‌هایی که در طول حیات از آن‌ها رنج می‌برده است و یا احتمالاً باعث مرگ او شده است، شناسایی نمود. همچنین می‌توان به ساختار و طبقات اجتماعی جامعه از طریق مطالعه و تحقیق در قبور پی برد. از طریق مطالعه اشیاء داخل قبر می‌توان به شغل و یا مذهب فرد مدفون دست یافت. با بررسی آماری قبور یک قبرستان و داده‌های بدست آمده از آنها می‌توان به فراوانی جمعیت و سنخ‌های مختلف اجتماعی و جمعیتی پی برد و ارتباطات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه و تاثیر و تاثرات فرهنگی را شناسایی کرد.

در این جستار شیوه‌های تدفینی یک دوره تقریباً هزار ساله یعنی آغاز هزاره سوم پ.م تا پایان این هزاره را در بخشی از محوطه‌های باستانی منطقه جنوب شرقی ایران که مورد کاوش قرار گرفته‌اند، مطالعه خواهیم کرد.

از بین ۳ محوطه خوراب، دامین و شهرسوخته، شهرسوخته کاملترین گزارش حفاری را داراست. بنابراین در اینجا بر داده‌های شهرسوخته به عنوان محور اصلی تکیه خواهد شد. بقیه مکان‌های پیش از تاریخی یا دارای گزارش مقدماتی هستند و یا گزارش منتشر نشده است، لذا امکان هرگونه مقایسه را با دشواری بسیار روبرو می‌سازند.

الف) مشخصات گورستان‌ها

۱- گورستان شهر سوخته

گورستان شهر سوخته در قسمت جنوب غربی محوطه و بر روی رسوبات زمین‌شناسی دوره پلیستوسن واقع شده است، و همان گونه که تاکنون مشخص شده است، وسعت این ناحیه حدود ۲۵ هکتار است. سطح آن در ظاهر موج‌دار

است که در نتیجه عوامل فرسایشی نظیر آب و باد ایجاد شده است، و پوشیده از شن و ماسه است. برخلاف بخش مسکونی این منطقه، تقریباً به طور کامل از نظر سطحی فاقد مواد و آثار فرهنگی است.

کشف گورستان شهرسوخته به طور کاملاً تصادفی در ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۲ صورت گرفت. تا قبل از این تاریخ تصور بر این بود که این قسمت از محوطه عاری از بقایای باستان‌شناسی است. اما در این سال ضمن ایجاد یک گمانه آزمایشی در ابعاد ۳×۳ متر جهت برداشتن نمونه خاک برای مطالعات زمین‌شناسی، اولین گورها به صورت کاملاً تصادفی در عمق ۵۰ سانتی‌متر زیر سطح کنونی زمین پیدا شد (Piperno 1986: 123).

از این به بعد این بخش از شهر نیز مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفت. این قسمت از تپه‌های شهر سوخته از نظر کلی به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده است که گورستان در بخش شمالی آن قرار دارد و فاصله آن با قسمت جنوبی که به وسیله گودال‌های عظیم از بخش دیگر جدا می‌شود حدود ۹۰ متر است (سیدسجادی ۱۳۷۴: ۲۱۳). ارتفاع آن حدود ۴ متر از سطح اصلی شهر پایین‌تر است. از گودال‌ها جهت هدایت آب نیز استفاده می‌شده است. پیدا شدن لوله سفالی بزرگ برای آبرسانی در قسمت پایین شهر این فرضیه را تأیید می‌کند. این گودال‌ها بالغ بر ۸ هکتار مساحت دارد (سید سجادی ۱۳۶۲: ۲۷۵).

۱-۱- لایه‌نگاری

زمین گورستان از چهار لایه جداگانه تشکیل شده است. لایه اول مخلوطی از شن و ماسه رسوبی به ضخامت حدود ۲۰-۱۵ سانتی‌متر است. لایه دوم را یک پوسته نمکی سخت با میانگین ضخامت حدود ۲۰ سانتی‌متر تشکیل می‌دهد. لایه سوم شامل یک قشر نمکی، مخلوط با خاک‌های نرم و سست است و لایه چهارم خاک فشرده سبز رنگی با ضخامت حدود یک متر است که اکثر قبور شهرسوخته در این لایه قرار گرفته‌اند. گورستان شهر سوخته تنها شامل گورهای طبقات ۹ تا ۳ است و گورهای طبقات ۱۰ تا ۲ و صفر تاکنون به دست نیامده است. از سوی دیگر بهترین نمونه‌ها و بیشترین اطلاعات به دست آمده مربوط به طبقات ۷ تا ۵ (۲۷۰۰ تا ۲۵۰۰ پ.م) است یعنی زمانی که

بلوچستان پاکستان کشف شده است. با توجه به این مقایسه می‌توان تاریخ هزاره سوم پم را برای مهرهای مکشوفه از خوراب و باکتريا پیشنهاد کرد (de Cardi 1970: 264).

۳- تپه دامین

۳-۱- موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های دامین

دامین در نزدیکی روستای دامین در ۲۵ کیلومتری شمال ایرانشهر واقع شده است که برای اولین بار توسط اشتاین شناسایی و معرفی شد (Stien 1937: 114). تپه دامین چندان بزرگ نیست و در حدود ۲۰۰ متری جنوب آن یک قطعه مخروطیه، در سمت راست ساحل رودخانه کوچک به همین نام که هم اکنون تقریباً خشک است، واقع شده است که قطر آن تقریباً بیش از ۱۰۰۰ متر و ارتفاع آن ۵ متر است. درازای آن به صورت شمالی - جنوبی و دارای طرحی نامنظم، که بخشی از آن برای ساخت جاده تخریب شده است. این تپه در حال حاضر مانند بسیاری تپه‌های بلوچستان، توسط جمعیت‌های نیمه بادیه‌نشین محلی، به عنوان گورستان مورد استفاده قرار می‌گیرد (Tosi 1970: 9-10).

توزی در مورد اشیایی که در سال ۱۹۶۹ به صورت اتفاقی در این محل پیدا شده بود، چنین اظهارنظر کرده است:

«متوجه شدم که با مجموعه باستان‌شناختی استثنایی و جالبی روبرو هستم نه فقط به دلیل کثرت اشیاء (۴۰ گلدان سفالی، ۵ شی برنزی و یک ستون کوچک از جنس سنگ آهک) بلکه به خاطر اطلاعات فرهنگی و تاریخی که از دل اشیاء به دست می‌آمد، از نخستین اطلاعات به دست آمده و از ماهیت اشیاء کاملاً روشن بود که با گوری متعلق به جوامع کشاورزی سر و کار داریم که در اواخر هزاره سوم پم می‌زیسته‌اند و فرهنگ بمپور را تشکیل می‌دادند (Ibid: 9). این قبر زمانی کشف شد که ساکنین محلی برای خاکسپاری یکی از بستگان خود بر روی تپه دامین گوری ایجاد کردند، مشابه این اتفاق در حدود ۳۸ سال پیش از آن در دامین رخ داد و اشتاین را مجبور کرد تا حفاری کوچکی در دامین انجام دهد (Stien 1937).

در اولین روزهای ماه مارس ساکنین محلی ظروف سفالی از نوع سیاه روی زمینه قرمز را به اشتاین دادند که از

مصادف با گسترش شهر سوخته است (تصویر ۱) (سیدسجادی ۱۳۷۴: ۲۶۶).

۲- خوراب

۲-۱- موقعیت جغرافیایی گورستان خوراب

یکی از محوطه‌های مهم پیش از تاریخ بلوچستان، گورستان خوراب است. هفت قبر پیدا شده در خوراب شامل شمار زیادی ظروف سفالی، کاسه‌های فلزی، نیزه‌های فلزی، ظروف کاملاً مرمین و مهره عقیق بوده‌اند.

خوراب در کناره جنوبی ساحل رودخانه بمپور و در مشرق این بخش، در شمال ایرانشهر واقع شده است. این گورستان برای اولین بار توسط اورل اشتاین کشف و معرفی گردید.

در ۱۰ مارس ۱۹۳۲ زمانی که اشتاین مشغول بررسی و کاوش در دره بمپور بود، با این گورستان مواجه شد. وی در مورد نحوه کشف این گورستان می‌نویسد: «زمانی که راهنمای محلی ما را بر روی سطح این تپه برد، به علت فراوانی قطعات سفال برای من آسان بود که تشخیص دهم بر روی یک گورستان دوره کالکولتیک ایستاده‌ام و با توجه به وضعیت مضطرب گورستان احتمال دادم که هنوز آثاری آنجا کشف گردد» (Stein 1937: 118).

در شرایط کنونی با توجه به آثار و داده‌های موجود امکان تاریخ‌گذاری دقیق برای بلوچستان وجود ندارد. بنابراین در این وضعیت باید خود را قانع به تاریخ‌گذاری نسبی نماییم. این تاریخ‌گذاری می‌تواند با تکیه بر مقایسه سفال باشد کاری که تا حدودی دیکاردی انجام داد و بمپور را با خوراب مقایسه کرد. او حتی این مقایسه را به تپه یحیی نیز کشاند.

از طریق مقایسه سفال و آثار به دست آمده در فرهنگ‌های مختلف می‌توان به یک تاریخ‌گذاری نسبی دست یافت. مثال بسیار جالبی که می‌توان برای این منظور در نظر گرفت، مهر استوانه‌ای از جنس عقیق است که از دو طرف به وسیله بست‌های طلایی تزیین شده است این مهر از قبر E خوراب همراه با یک تبر که با پیکره یک شتر تزیین شده است، به دست آمده است. شبیه این مهرها از بین‌النهرین به خصوص در دوره اور سوم شناسایی شده است. نمونه‌های مشابه این مهر از باکتريا، آسیای مرکزی و شاهی تومب

۱- قبور حفره‌ای

۱-۱- چاله‌های ساده

قبور حفره‌ای به طرز خیلی ساده در داخل خاک کنده شده و دارای هیچ گونه بافت معماری خاصی نیست و فقط با خاکبرداری از زمین به شکل قبر درآمده و دارای اشکال نامنظمی بوده است.

این نوع قبور در طول هزاره سوم پم از گورستان‌های منطقه جنوب شرقی ایران نظیر شهر سوخته (سید سجادی، ۱۳۷۷)، شهداد (Hakemi 1997: 47)، خوراب (Stien 1937) و دامین (Tosi 1970) گزارش شده است. در شهر سوخته این گورهای دارای شکل هندسی منظمی نبوده و شکل‌های چهارگوش، دایره، بیضی و نامنظم در میان آن دیده می‌شود.

گودی این دسته از گورها بین چند سانتی‌متر تا یک در نوسان است. نوسان و ریزش و جابجایی خاک‌های سست اطراف این دسته از قبور باعث عدم دقت کافی در اندازه‌گیری‌ها می‌شود. از این گورها یک بار و گاهی دو بار استفاده شده، در برخی موارد اسکلت دفن شده فقط یک نیمه از گور را اشغال می‌کرد (Piperno 1986: 126).

۲- قبور سردابه‌ای

این نوع قبور در منطقه جنوب شرقی ایران در طول هزاره سوم پم، تاکنون فقط از گورستان شهر سوخته گزارش شده است. قبرهای سردابه‌ای از دو قسمت متمایز تشکیل شده‌اند. یک گودال عمودی و یک اتاقک یا دخمه در جنب گودال عمودی. در این دسته از قبرها اسکلت و اشیاء و هدایا برای مدت هزاران سال در فضای سرپسته و بدون هوای و بدون تماس مستقیم با خاک و سایر مواد باقی می‌ماند و بنابراین مرحله آغاز فساد و از بین رفتن بقایای مدفون و نیز اشیاء دیرتر آغاز شده و طولانی‌تر می‌شود و به همین دلیل مواد باستانی موجود در قبرهای سردابه‌ای از آلودگی و اختلاط کمتری برخوردارند و به نظر می‌رسد که گورهای سردابه‌ای در فازهای قدیمی موجود نباشد و فقط از فاز ۶-۷ تا فاز ۳ یافت می‌شود (Piperno and Salvatori 1983: 178).

حفری قبری تازه به دست آورده بودند، این مسئله اشتاین را مجبور کرد تا دیداری هرچند کوتاه از منطقه دامین داشته باشد و چند گمانه آزمایشی در آن حفر نماید، اشتاین دو گمانه B و A در قسمت جنوبی تپه که هر یک ۱۶ متر طول و ۴ متر عمق داشتند ایجاد کرد، سفال‌هایی که اشتاین بدست آورد مانند بسیاری از سفال‌های منقوش منطقه بمپور بود، به همین دلیل وی سفال‌ها را به عنوان سفال‌های دوره کالکولتیک طبقه‌بندی کرد (Tosi 1970: 10-11).

از مطالعه مجموعه سفال‌های گردآوری شده نتایج کلی زیر بدست آمده است:

- ۱- آثار پیش از تاریخ، یعنی همزمان با بمپور I-IV در بخش شرقی تپه که مشرف به رودخانه است و به خصوص در جنوبی‌ترین بخش آن پراکنده است.
 - ۲- مجموعه سفال‌های پیش از تاریخ نشان دادند که نسبت سفال‌های سیاه روی زمینه خاکستری (نسبت به سایر نمونه‌ها) ۸ برابر است.
 - ۳- سفال براق و قرمز و خاکستری دوره‌های بمپور V-VI در دامین نادر است.
 - ۴- سفال‌های قرمز - آجری و تزیینات به شکل نوارهای برجسته مربوط به دوره‌های جدیدتر است.
- تاریخ مقبره کشف شده در دامین را می‌توان به مراحل پایانی دوره IV بمپور یعنی ۲۰۰۰ پم نسبت داد. به نظر این تاریخ تقریباً درست است.

ب) معماری و ساختار قبور

بر اساس مطالعات انجام شده در گورستان‌های منطقه جنوب شرقی ایران، با توجه به دو عامل ساختار و مصالح به کار رفته شده، گورهای به سه گروه کلی حفره‌ای، سردابه‌ای و خشتی تقسیم می‌شود. هر گروه دارای زیر گونه‌های متفاوتی است که عبارتند از: قبور چاله‌های ساده، قبور سردابه‌ای، قبور شبه سردابه‌ای، قبور دو قسمتی، قبور خشتی مستطیل، قبور مربع خشتی، قبور دایره خشتی، قبور دو دایره، گودال‌های دایره با در مسدود، قبور سکو مانند با یک دیواره خشتی در سمت چپ، چاله ساده با یک دیواره در سمت جنوب، قبور متوازی‌الاضلاع شکل با یک دیواره نازک تقسیم شونده و قبور با یک دیواره منحنی از خشت (تصویر ۲a,b).

تعداد اشیاء این قبور بین ۲۰-۱۲۰ در نوسان است. این دسته از قبرهای شهرسوخته شباهت‌های زیادی با نمونه‌های پیدا شده در آسیای مرکزی در محوطه‌های باستانی جنوب ازبکستان، در دشت‌های اطراف آمودریا و محوطه‌هایی چون ساپالی، چارکوتان و تا حدودی کوزلینکس و ملاعلی دارند که از نظر زمانی متعلق به همین دوران مفرغ هستند.

۳- قبور خشتی

۳-۱- قبور دو قسمتی

قدیمی‌ترین نمونه این گونه ساختمانی قبور از دوره نوسنگی و از محوطه باستانی مهرگره در نزدیکی کوپته پاکستان گزارش شده است. به لحاظ معماری اینگونه از قبور در گورستان شهرسوخته از نظر کلی شبیه به گورهای چاله ساده می‌باشند.

با این تفاوت که شکل خارجی آنها نزدیک به دایره بوده و دیواری خشتی متشکل از ۱ تا ۸ خشت آنها را به دو گودال تقسیم کرده است (سید سجادی و فروزانفر ۱۳۸۰: ۱۰۶). این دیوار در سمت شمال شرقی - جنوب غربی و یا شرقی - غربی جهت داده شده است. خشت‌ها معمولاً به صورت افقی اما گاهی از گوشه پهلویی و در برخی موارد به صورت عمودی قرار داده شده‌اند. نحوه چیدن خشت‌ها در قبور دو قسمتی پس از دفن جسد و اشیاء، به شکلی است که خشت‌ها بخشی از اشیاء گور را می‌پوشاند (Piperno 1977: 141) (G708 G134).

در این گروه از گورها اسکلت‌ها و اشیاء معمولاً در گودال شمالی قبر قرار دارند و گودال جنوبی خالی می‌باشد هرچند به ندرت بخشی از اشیاء قبور در آنجا نیز پیدا می‌شوند (سیدسجادی و فروزانفر ۱۳۸۰: ۱۰۶). گورهای دو قسمتی معمولاً از گورهای دارای گودال ساده بزرگتر است و به نظر نمی‌رسد که برای استفاده و خاکبرداری مجدد مورد استفاده قرار گرفته باشد بلکه فقط برای تدفین اولیه، چه منفرد و یا دوتایی به کار می‌رفته است (Piperno 1986: 126).

نمونه‌هایی از قبور دو قسمتی از تپه دامین توسط توزی گزارش شده است که قابل مقایسه با قبور دو قسمتی گورستان شهرسوخته است (تصویر ۵).

به لحاظ ساختاری این قبور در گورستان شهر سوخته به دو گونه زیر تقسیم می‌شود: قبور سردابه‌ای و قبور شبه سردابه‌ای.

۲-۱- قبور سردابه‌ای

بدون شک این گورها ماهرانه‌ترین و جالب‌ترین نوع هستند. این گورها از دو قسمت متمایز چاله ورودی و محل دفن ترکیب شده‌اند. در این قبرها، ابتدا گودال به عمق تقریب ۱۲۰ سانتی‌متر کنده می‌شده و سپس در یکی از جبهه‌های آن دخمه‌ای به شکل یک اتاق زیرزمینی بیضی شکل به عمق تقریبی ۱۸۰ سانتی‌متر حفاری می‌شده است. شخص مدفون همراه نذورات و اشیاء مختلف داخل سردابه گذاشته می‌شد و سپس در ورودی با چند ردیف خشت بسته شده است. به علت عدم وجود فشار خاک، اسکلت‌ها و اشیاء این قبرها سالمتر از گروه‌های دیگر باقی مانده‌اند. در صورت استفاده مجدد از این گورها بقایای اسکلت اولی جمع‌آوری شده و جای کافی برای تدفین بعدی آماده می‌شده است. این امر به وضوح در گور G44 مشاهده می‌شود. این گور در دو دوره مجزا استفاده می‌شد. ابتدا برای تدفین یک فرد بالغ و به دنبال آن برای تدفین دو کودک و فرد بالغ دوم، در هنگام تدفین دوم، استخوان‌های اسکلت اول پشت دیوار بر روی هم انباشته می‌شد. اگر چه اشیاء گور گاهی در کف مدخل ورودی گودال یافت شده‌اند (تصویر ۳) (Piperno 1986: 126).

۲-۲- قبور شبه سردابه‌ای

این دسته از قبرها شبیه گروه چهارم یا قبرهای سردابه‌ای هستند و تفاوت آنها با قبرهای سردابه‌ای در آن است که دیواره جدا کننده چاله قبر و اتاقک تدفین با یک ردیف خشت از یکدیگر جدا می‌شده و در نتیجه درگاه آن تقریباً باز می‌مانده و بنابراین خاک و خاشاک پر کننده چاله قبر به داخل سردابه نفوذ می‌کرده است (تصویر ۴).

بررسی‌های انجام شده بر روی اشیاء این دسته از قبرها نشان داده‌اند که صاحبان آنها افراد متمایز جامعه شهرسوخته بوده است و حداقل از نقطه نظر ثروت شخصی با قبور دیگر متفاوت هستند.

۲-۳- قبور خشتی مستطیل

دیواره‌های این گونه قبرها توسط خشت‌های مستطیلی شکل ساخته می‌شده است. این گونه قبرها در محوطه‌های دوران مفرغ (Hakemi 1977: 147) شهرسوخته و شهداد در جنوب شرقی ایران دیده شده است. گور شماره G12 در شهرسوخته گوری چهارگوش به مساحت ۲/۵۰ متر مربع است که دیواره‌های آن توسط ردیفی از خشت ساخته شده است. یک خشت نیز در نزدیکی مجسمه فرد مدفون جای داده می‌شده است (Piperno 1986: 126).

۳-۳- قبور مربع خشتی

این گونه قبور مشابه قبور مستطیل خشتی و تنها تفاوت بین این دو گروه شکل هندسی آنهاست. گور G106 شهرسوخته به طول یک متر و عرض ۶۰ سانتی‌متر است، که خشت‌های آن به طور عمود مورد استفاده قرار گرفته بود. به طوری که یک دالان کوچک چهارگوش را همراه با یک سقف متشکل از سه خشت تشکیل می‌داد که به صورت افقی بر بالای آن قرار داده شده بود. این گور برای دفن یک کودک مورد استفاده قرار گرفته و این امر اندازه کوچک ساختمان قبر را توجیه می‌کند (Piperno 1986: 126).

بهترین نمونه این گونه گورها، گورهای دوره III تپه C موندیگک هستند که شباهت بسیار نزدیکی با قبور آلتین تپه دارند (لیتونسکی و بیانکووا ۱۳۷۵: ۲۸۹).

۴-۳- قبور دایره خشتی

موجودیت این گونه قبور را در منطقه جنوب شرقی ایران در طول هزاره سوم پم از گورستان شهرسوخته داریم. برای ساختن این گروه از قبور در شهرسوخته ابتدا گودالی به قطر ۳ متر کنده و سپس دیواره‌های این گودال را با خشت تا ارتفاع ۱ متر بالا می‌آوردند. این گونه قبور دارای دری نیز بوده‌اند.

برای تاریخ‌گذاری این نمونه از گورها، قبر G1003 شهرسوخته مناسب است که فازهای مختلف بهره‌برداری مجدد با بیش از ۱۳ بار استفاده را نشان می‌دهد و می‌تواند بر اساس اشیایی نظیر یک مهر استوانه‌ای از نوع جمده نصر

که متعلق به ابتدای هزاره سوم پم می‌باشد تاریخ‌گذاری شود، این گور از نظر برخی خصوصیات دیگر نیز برجسته و مهم است که آن را یکی از مهمترین سندهای قدیمی فازهای شهرسوخته می‌سازد که عبارت است از اسکلت‌های سه سگ، یکی کامل و دو تای دیگر ناقص که در زمان‌های مختلف همراه با اجساد به خاک سپرده شده‌اند (تصویر ۶). این مدارک فرصت مطالعات بیشتری را در مورد اهلی‌سازی حیوانات در هزاره سوم پم به ما می‌دهد (Piperno and Salvatori 1983: 175).

۴- قبور دو دیواره

این نوع قبور از گروه ساختمانی نادر در شهرسوخته است. در این نمونه از گورها دو دیواره جانبی با خشت ساخته شده و دو دیواره دیگر در حالت طبیعی باقی مانده‌اند که در بین محوطه‌های باستانی مورد مطالعه فقط از گورستان شهرسوخته بدست آمده است. گور G118 بزرگترین و وسیع‌ترین مقبره بین گورهای خشتی و متعلق به فاز ۳ است و یکی از جدیدترین گورهایی است که تاکنون کشف شده است. این گور متشکل از یک دیوار ساختمانی شرقی - غربی به طول ۲/۱۰ متر و پهنای ۷۰ سانتی‌متر است و به صورت دالانی با مساحت ۳/۷۰ متر مربع درآمده که سطح داخل آن کاملاً با گچ اندود و طاقچه‌ای در درون دیوار ساختمانی تعبیه شده است.

این مقبره دارای اسکلتی متعلق به یک فرد بالغ مذکر حدود ۵۰ ساله است که به پهلو چپ خوابانده شده و مسن‌ترین فرد در بین ۶۹ اسکلتی بوده که توسط هیأت ایتالیایی مورد مطالعه قرار گرفته است (Piperno 1986: 126-127).

۵- گودال‌های دایره‌ای با در مسدود

این گروه از قبرها شبیه گودال ساده و اغلب به شکل دایره و یا بیضی هستند. تفاوت این دسته از قبرها با گودال‌های ساده در آن است که در دیواره قبر دری کنده شده و سپس آنرا با چند ردیف خشت مسدود می‌کرده‌اند. تعداد گورهای پیدا شده این نوع ساختمانی که توسط هیأت ایرانی کشف شده است ۴ عدد (سیدسجادی و فروزانفر

می‌ساختند و کف گور را غالباً با حصیر فرش کرده سپس جسد را به حالت جمع شده با لباس و تزیینات در داخل گور را غالباً با حصیر فرش کرده سپس جسد را به حالت جمع شده با لباس و تزیینات در داخل گور می‌نهادند و اشیایی را که از پیش آماده شده بود در کنارش قرار می‌دادند تا در جهان دیگر از آنها استفاده کنند. اینها غالباً وسایل و لوازم زندگی و ابزار کار است و به این طریق می‌توان به نوع حرفه صاحبان قبر پی برد و حتی حرفه‌هایی که در این زمان وجود داشته را مشخص کرد (کابلی ۱۳۵۳: ۳۶-۳۷).

۸- قبور متوازی‌الاضلاع شکل با یک دیواره نازک تقسیم شونده

این گونه قبور به وسیله یک دیواره نازک به دو بخش تقسیم می‌شوند، که یک بخش از آنها شامل تدفین و بخش دیگر شامل اشیاء است.

۹- قبور با یک دیواره منحنی از خشت

موجودیت این قبور را تاکنون فقط از محوطه باستانی شهداد به دست آورده‌اند و از سایر گورستان‌های مورد مطالعه تاکنون گزارش نشده است (Hakemi 1997: 147).

ج) شیوه‌های تدفین

با توجه به حفاری‌های علمی منتشر شده در گورستان‌های منطقه جنوب شرق ایران، شیوه‌های تدفین مردگان را می‌توان به سه گروه مجزا دسته‌بندی کرد و با ذکر مثال از محوطه‌های باستانی یاد شده آنها را مورد بررسی و مطالعه قرار داد. این سه شیوه عبارتند از:

- ۱- خواباندن مرده به پهلولی راست
- ۲- خواباندن مرده به پهلولی چپ
- ۳- خواباندن به صورت طاق باز با پاهای خمیده (نمودار ۱)

۱- شیوه اول به پهلولی راست

در این شیوه تدفین معمولاً اجساد را با پاها و دست‌های جمع شده به پهلولی راست در گور قرار می‌دادند که با توجه

۱۳۸۰: ۱۱۰) و یا به عبارتی حدود ۰/۰۳ کل قبور پیا شده است (همان: ۱۱۲) (تصویر ۷).

۶- قبور سکو مانند با یک دیواره خشتی در سمت جنوب

این گونه قبور را تاکنون در منطقه جنوب شرقی ایران، فقط از گورستان هزاره سوم پم شهداد داریم. شیوه ساخت این قبور بسیار ساده است پس از حفر و ایجاد چاله، یک دیوار کوتاه ۳ یا ۴ رجی از خشت در سمت جنوب برپا می‌داشتند که تقریباً سرتاسر سمت جنوب کشیده می‌شد. در سمت شمال و درون قبر سکوی کوتاهی در کنار دیوار و چسبیده بآن می‌ساختند که ۵۰×۷۰ و ۸۰×۶۰ سانتی‌متر طول و عرض داشت که روی آن را با کاهگل می‌پوشانیدند این جایگاه نهادن جسد بوده است و اجساد نیز به حالت جمع شده رو به سمت شمال سر در جهت شرق داشتند.

بر روی سکو و کنار جسد معمولاً اشیاء کوچک از قبیل حقه‌های سنگی محتوی سفیدآب یا کوزه‌های کوچک و گردنبند و دستبند و انگشتری جای می‌گرفتند و اشیاء بزرگتر مانند کاسه و قدح و کوزه و خمره در سمت پا و یا سر دیده می‌شود و در وسط و پایین سکو هم پیاله و کوزه‌های کوچک قرار می‌گرفت. به ندرت اشیایی چند از نوع سفال در پشت دیوار گذارده می‌شد ولی عمومیت ندارد. پس از آنکه جسد و اشیاء در قبر جا می‌گرفت، به دو طریق عمل می‌کردند، نخست آن را پر می‌کردند و یا اینکه با خشت بر روی قبر طاقی زده می‌شد و روی طاق را با خاک پر می‌کردند. پیش از آنکه قبرها بدین سان کاملاً پر شوند دو یا یک عدد کوزه سفالی در سمت سر یا مشرق می‌نهادند سپس آن را نیز با خاک می‌پوشانیدند تا با سطح زمین یکسان شود (کابلی ۱۳۶۸: ۹۸-۹۷).

۷- چاله ساده با یک دیواره در سمت جنوب (تصویر ۸)

شیوه ساخت این گونه قبور که آنها را در شهداد داریم، بدین صورت بود که پس از حفر زمین اغلب در جانب جنوبی گور دیوار کوتاهی با ارتفاع حداکثر ۴۵ سانتی‌متر و به درازای طول گور از خشت یا چینه

به نحوه قرار گرفتن پاهای زیر گونه‌های متفاوتی دسته‌بندی می‌شوند:

۱-۱- پاهای کمی خمیده

در این حالت اجساد را با پاهای کمی خمیده و دست‌های جمع شده در جلوی صورت در گور قرار می‌دادند. یکی از گورهایی که نشان دهنده این حالت تدفین در گورستان شهرسوخته است تدفین ۱۲۰۰ است. لایه شنی بسیار نرمی که این گور در داخل آن کنده شده است اجازه دیدن خطوط این تدفین را نمی‌دهد اما از ظواهر امر برمی‌آید که این تدفین از نوع گودال‌های ساده است. جهت تدفین شرقی - غربی است، پاهای مدفون کمی خمیده و نگاه صورت به سوی جنوب است (تصویر ۹). نمونه‌های این تدفین در گورستان شهداد، تدفین ۰۵۳ است که اسکلت را با پاها و دست‌های کمی خمیده در جلوی صورت در گور قرار داده‌اند (Hakemi 1997: 215).

۱-۲- پاهای جمع

در این حالت پاهای جسد را به صورت جمع شده در گور قرار می‌دادند به طوری که نسبت به بدنم زاویه ۹۰ درجه به خود می‌گرفت. با بررسی عکس‌ها و مدارک موجود در محوطه‌های باستانی منطقه جنوب شرقی نمونه‌هایی از این روش قرار گرفتن اسکلت را در قبور شهرسوخته و شهداد مشاهده می‌کنیم. تدفین ۲۸۰۷ یکی از قبور گورستان شهرسوخته است که این روش را به تصویر می‌کشد. این تدفین از نوع گودال‌های ساده است که در جنوب غربی گمانه IUF در جهت شرقی - غربی قرار گرفته است (تصویر ۱۰). اسکلت متعلق به مردی است که به پهلو راست با پاهای جمع شده خوابانده شده است. در این قبر تعدادی خشت شکسته دیده شده است. اما نمی‌توان آنها را به این قبر نسبت داد، تنها شیء این تدفین خصره نخودی منقوش شکسته‌ای بود که در زیر جمجمه اسکلت جای داده شده بود.

۱-۳- پاهای کاملاً خمیده

در این حالت اسکلت را با پاها و دست‌های کاملاً خمیده به طوری که پاها به طرف شکم جمع شده و شکل جنینی به خود می‌گیرد در قبر قرار می‌دادند.

یکی از این نمونه‌ها در شهرسوخته گور سردابه‌ای ۱۶۱۵ است. این تدفین از نوع گورهای سردابه‌ای است که سقف آن بر اثر فشار فرو ریخته است. اسکلت این تدفین با پاها و دست‌های کاملاً خمیده داخل یک لایه شنی پیدا شده است. تعداد ۵۷ عدد شیء این گور بیشتر در اطراف بدن اسکلت و تعدادی از آن در بالای سر در عمق بیشتر پیدا شدند. دیوار شمال - جنوبی محل سردابه را از چاله اولیه آن که به شکل مستطیل است جدا کرده بود.

۲- شیوه دوم به پهلو چپ

در این شیوه تدفین هم مانند شیوه اول عمل می‌کردند با این تفاوت که جسد را به پهلو چپ در قبر قرار می‌دادند.

۳- شیوه سوم طاق باز با پاهای خمیده

در این شیوه تدفین قسمت بالای بدن جسد را از شانه تا لگن به صورت طاق باز روی زمین قرار می‌دادند و پاها را از زانو به طرف لگن خاصره کم کرده بودند به طوری که یک پا روی پای دیگر قرار می‌گرفت (تصویر ۱۱). بهترین نمونه این حالت تدفینی در گور شماره ۲۷۰۲ شهرسوخته در گمانه HTR است. شکل خارجی آن بیضی و از انواع گودال‌های دو قسمتی است. دیواری خشتی به درازای ۱۳۵ و پهنای ۲۵ سانتی‌متر از ۵ ردیف خشت در امتداد شرقی - غربی، قبر را به دو بخش تقسیم می‌کند. اسکلت و اشیاء در گودال شمالی به پشت خوابانده شده اما پاها به صورت خم شده و به سوی جنوب قرار داشت. تعداد ۹ ظرف سفالی و یک ظرف سنگی روبروی صورت و نزدیک دست‌ها قرار گرفته بودند، دقیقاً در بالای جمجمه مدفون بقایای کامل اسکلت یک بزغاله پیدا شد.

د) جهات تدفین مردگان

گورهای شهرسوخته از نظر جهت و شکل تدفین تابع هیچ نظمی نبوده‌اند. جهت گورها در همه دوره‌ها و در همه اشکال ساختمانی با هم تفاوت دارند و در کلیه جهات اصلی جغرافیایی نیز دیده شده‌اند. این نکته هم درباره جهت ساختمان قبور صادق است و هم درباره جهت تدفین شخص

هد تدفین مردگان با کفن

در گورستان شهرسوخته آثار به جای مانده از لباس و پارچه چسبیده به استخوان‌های اسکلت در ۱۸ مورد کشف شده است. این موارد نشان دهنده پیچاندن جسد در یک کفن است که معمولاً از پارچه‌های زمخت استفاده کرده‌اند و بر حسب جنسیت جسد دفن شده پارچه‌ها متفاوت هستند (Piperni 1977: 141). معمولاً جنس پارچه‌های استفاده شده برای پوشش مردان خشن‌تر از پارچه‌های زنانه است (سیدسجادی ۱۳۷۴: ۲۱۵). به نظر می‌آید که بیشتر تدفین‌های شهرسوخته در اصل دارای پارچه به صورت‌های کفن، زیرانداز و یا لباس بوده‌اند که کاملاً از بین رفته‌اند و در مواردی هم که آثار کمی از آنها باقی مانده به مجرد برخورد با هوای آزاد فاسد شده و از بین رفته‌اند، جز از برخی قطعات کوچک تدفین شماره ۱۷۰۷ متعلق به کودکی ثروتمند، باقی پارچه‌ها به شدت سوخته و از بین رفته، غیر قابل برداشت می‌باشد.

پارچه‌هایی که به عنوان روانداز استفاده می‌شده است، معمولاً ظریفتر از پارچه زیرانداز بوده است. در تدفین شماره ۲۸۰۲ قطعات پارچه کاملاً به مجموعه فرد مدفون چسبیده است و در تدفین شماره ۱۵۰۰ این آثار را در روی پاهای اسکلت می‌شود دید. در تدفین شماره ۱۷۰۵ به نظر می‌رسد فرد مدفون دارای لباسی بوده که پشت آن منجوق‌دوزی شده است. اثر منسوجات یافته شده در قبور گورستان شهداد نیز ثابت می‌کند که مرده با لباس‌هایش دفن شده است (Hakemi 1977: 47) و حتی یک مجسمه به دست آمده که در یک پوشش پارچه دفن شده بود.

و) قرار دادن غذا و خوراکی‌ها در قبور بر اساس مطالعات گیاه باستان‌شناسی

در بیشتر ظرف‌های کشف شده شهرسوخته، بقایای مواد غذایی در کف آنها پیدا شده‌اند. تجزیه و تحلیل این مواد ما را قادر می‌سازد تا برخی از جنبه‌های رفتاری، عادات غذایی، تشریفات و مراسم این مردم را روشن سازیم (Piperno 1977: 143).

در اکثریت قبرها که دارای اشیاء و مواد کافی اطلاعاتی بوده‌اند، بیشتر مواد غذایی در ظرف‌های سفالی پیدا شده‌اند مقدار این اشیاء و هدایا بستگی به شخصیت و طبقه

مدفون، سر مدفون و جهت دید او در جهات گوناگون جغرافیایی قرار داشتند (تصاویر ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵).

در تدفین‌های شهداد تقریباً سر کلیه جسد‌ها در جانب جنوب غربی و پاهای آن‌ها به جانب شمال شرقی قرار دارند. دست‌ها جمع شده در جلوی صورت قرار گرفته است و پاها به حالت جمع شده است ولی صورت مدفون به جانب معینی نگاه نمی‌کند بلکه مایل به جانب‌های مختلف شرق، غرب و یا رو به بالا است. لذا این فرضیه را به وجود آورده که احتمالاً به هنگام تدفین موقعیت خورشید و ساعات مختلف روز مدنظر قرار می‌گرفته است (کابلی ۱۳۵۳: ص ۳).

جهت قبرها در گورستان شهرسوخته نیز همواره متغیر است و به نظر می‌رسد که در زمان انجام مراسم تدفین، جهت خورشید و نحوه قرار گرفتن آن در آسمان، عامل مهمی در مورد تصمیم‌گیری در کندن جهت قبرها و قرار دادن شخص مدفون در آن بوده است. تدفین در جهت تابش خورشید صورت گرفته و حتی در یکی دو مورد که تدفین کاملاً به صورت طاق باز انجام گرفته است، صورت مدفون به سوی آسمان بوده است. در این مورد آخری می‌توان تصور کرد که زمان تدفین ظهر و در هنگام تابش مستقیم و عمودی خورشید انجام گرفته است، به همین ترتیب در یکی دو مورد استثنایی دیگر که تدفین بر روی شکم و صورت چسبیده به زمین صورت گرفته است، نشان از ارزش و اعتبار و اهمیت نور آفتاب در باورهای مذهبی جامعه شهرسوخته دارد (سیدسجادی ۱۳۸۲: ۳).

بر اساس مطالعه و بررسی این قلم بر روی ۱۳۴ تدفین که بین سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۷۶ در گورستان شهرسوخته انجام گرفته است این جهات بیشتر شامل جهات شرقی - غربی، شمال شرقی - جنوب غربی، شمالی - جنوبی، شمال غربی - جنوب شرقی، جنوب غربی - شمال شرقی، جنوب شرقی - شمال غربی بوده که به ترتیب هرکدام با ۴۵/۵٪، ۱۵/۶٪، ۸/۱۹٪، ۶/۷٪، ۲/۷٪، ۷/۱۵٪ عمده‌ترین جهات تدفین را به خود اختصاص داده‌اند. جهت شرقی - غربی که نشان از طلوع و غروب دارد با ۴۵/۵٪ عمومی‌ترین جهت تدفین در بین تدفین‌های شهرسوخته است (نمودار ۲).

کجای این حوزه گسترده تربیت و اهلی شده و سپس مورد مصرف قرار گرفته است (کنستانتینی و سیدسجادی ۱۳۸۲: ص ۱۴).

تدفین شماره ۱۴۰۰ که پیشتر به آن اشاره شد، تدفینی از نوع سردابه‌ای مختص به بانویی جوان و از طبقه مرفه و شاخص شهر بوده که بقایای او همراه بقایای اسکلت‌های دیگر با بیش از ده‌ها ظرف و هدیه بدست آمده است. حداقل سه ظرف از ظروف سفالی این تدفین حاوی ادویه‌های گوناگون و یا مخلوطی از گیاهان بوده‌اند.

یک کاسه نخودی رنگ مملو از نمونه‌های بسیار زیاد گشنیز بوده و لیوان سفالی دیگر حاوی مخلوطی از میوه گشنیز و دانه‌های زیره بوده و بالاخره کاسه بزرگ شماره ۴ شامل ترکیبی از یک نوع سوپ و یا آش آماده شده و مرکب از گندم، جو و عدس (عدس ریز قرمز که ۹ در محل معروف به عدس زابلی است)، ماهی و گشنیز بوده است.

میوه پسته وحشی داخل دو ظرف مختلف همان تدفین همراه گندم و جو پیدا شده‌اند. آخرین اشاره در مورد تدفین شماره ۱۴۰۰ و سایر اسکلت‌های پیدا شده در آن مربوط به بته‌های فراوان سیر است که در ظرف‌های مختلف این تدفین نوع سردابه‌ای پیدا شده است (همان، ۱۲-۱۱). در داخل بعضی از ظروف گورستان شهداد (Hakemi 1997: 76)، خوراب (Stein 1937) و دامین (Tosi 1970) باقی مانده غذاهای استفاده شده در آن دوران نیز وجود داشته است که به دلیل عدم مطالعات آزمایشگاهی نوع این مواد غذایی مشخص نیست.

ز) قربانی کردن حیوانات و مراسم تدفین

بر اساس حفاری‌های هیأت ایتالیایی در گورستان شهرسوخته شواهدی از قربانی کردن بزغاله در ۱۷ گور داریم، گاهی بخش کوچکی از حیوان، درون یک ظرف نزدیک جسد یا کنار دیوار خشتی قرار می‌گرفته که نشان دهنده و مشخص کننده قبور دو قسمتی است. به هر حال جالب‌ترین چیز قربانی کردن یک بزغاله کامل است که در کنار سر فرد مدفون در یازده گور از فازهایی ابتدایی ۷، ۸ و ۹ به صورت متمرکز در یک ناحیه محدود شده در گورستان وجود دارد (تصویر ۱۶) (Piperno 1976: 134).

اجتماعی فرد مدفون داشته است در برخی از قبرهای ثروتمندان مقدار مواد غذایی و اشیاء، بسیار زیاد و متنوع بوده است آنچه مسلم است مواد جامد بیشتر در کاسه‌ها و مواد مایع در خمره‌ها و لیوان‌ها جای داده شده است تقریباً تمام لیوان‌های پیدا شده به ظاهر خالی بوده‌اند اما آزمایشات و بررسی‌های انجام شده از روی نمونه خاک‌ها و بقایای چسبیده به بدنه این گروه از ظرف‌ها نشان داده کلیه لیوان‌ها حاوی مایع شیرین و تخمیر شده از انواع انگورها بوده‌اند که پیش از ریختن داخل لیوان صاف می‌شده است، همین مایع و مایعات دیگر و این بار صاف نشده، داخل خمره‌های بزرگتر ریخته می‌شده که بقایای آنها به شکل دانه‌ها و هسته‌های خرد شده انگور ته‌نشین شده و چسبیده در کف این خمره‌ها دیده شده است.

یکی از قبرهای گورستان شهرسوخته که برخی از اشیاء آن مورد مطالعه قرار گرفته تدفین شماره ۱۶۱۵ از نوع سردابه‌ای است، در این قبر ثروتمند که دارای ۵۶ عدد شی بود تعدادی ظرف‌های سفالی محتوی مواد غذایی دیده شد. محتویات ۱۸ عدد از ظرف‌های این تدفین، شامل ۴ خمره بزرگ و کوچک، یک لیوان و ۱۳ کاسه مورد مطالعه مقدماتی قرار گرفتند. در چهار ظرف شامل ۲ خمره و ۲ کاسه قطعات ریز و خرد شده انگور دیده شد، در یک خمره و ۴ کاسه بقایای پوسته و غلات گندم و جو به صورت خرد شده و ریز همراه خلل و فرج حاصله از آفات نباتی دیده شده و در یکی از این ظرف‌ها باقی مانده غلات آرد شده و در کاسه دیگری یک قطعه زغال کوچک و بالاخره در کاسه دیگری قطعات خرد شده یک چوب دیده شده است. مواد داخل بقیه ظروف بسیار نرم شده و یا به صورت مواد تقریباً جامد درآمده‌اند. طی کاوش‌های سال ۱۳۸۱ در شهرسوخته کشف میوه گشنیز^۱، زیره^۲ و پسته وحشی^۳ بسیار قابل توجه است. این نمونه‌ها تقریباً همگی در ظروف سفالی گورهای شماره ۱۴۰۰ و شماره ۱۴۰۴ بدست آمده‌اند که تمام آنها متعلق به دوره چهارم استقرار در شهرسوخته و دارای تاریخی برابر ۲۳۰۰-۲۱۰۰ پم هستند. این گیاهان در سرزمین‌های آفریقای شمالی، آمریکای جنوبی، آسیا و اروپای شرقی به عمل می‌آیند و اصل آنها از حوزه وسیع سواحل مدیترانه، آفریقای شمالی و آسیای جنوب غربی است اما هنوز مشخص نشده اصل این میوه‌ها در ابتدا در

بررسی‌ها نشان داده‌اند که تعداد قبور دوره اول بسیار کم بوده و از قدیمی‌ترین طبقه استقرار این دوره (طبقه ۱۰) تاکنون قبری به دست نیامده است. تعداد ۲۳ قبر این دوره متعلق به طبقات نهم (یک نمونه) و هشتم (بیست و دو نمونه) آن هستند. گونه‌های ساختمانی این دوره نیز محدود هستند. از مجموع ۲۳ قبر متعلق به این دوره ۳ عدد متعلق به گروه اول یعنی چاله‌های ساده و ۲۰ عدد متعلق به گروه دوم، یعنی از نوع چاله‌های دو قسمتی هستند.

در دوره دوم استقرار تنوع بیشتری هم در تاریخ و هم در گونه ساختمانی دیده می‌شود. طبقه ۷ شامل ۴۵ قبر، طبقه ۶ شامل ۴۱ قبر، طبقه ۵ شامل ۲۳ قبر است. از مجموع ۰۹ قبر این دوره به ترتیب ۴۵ قبر از نوع اول، ۴۲ قبر از نوع دوم، ۷ قبر از نوع سوم، ۱۲ قبر از نوع چهارم، ۱ قبر از نوع هشتم است. تعداد قبرها در دوره سوم کاهش یافته و به ۲۳ عدد می‌رسد. در طبقه ۴ تعداد ۱۱ قبر و در طبقه ۳ تعدادی قبر بررسی شده‌اند. تعداد ۱۴ قبر این دوره متعلق به نوع اول، ۱۵ قبر به نوع دوم، ۱ قبر به نوع سوم، ۳ قبر به نوع چهارم و یکی از قبور از نوع دو جداره است (سیدسجادی، فروزانفر ۱۳۸۰: ۱۰۸-۱۰۷).

از آنجایی که شهرسوخته در طول هزاره سوم پم بین مسیرهای تجاری قرار داشته و رابطی مابین تمدن‌ها و محوطه‌های باستانی شرقی نظیر بلوچستان پاکستان و غربی شهاد و محوطه‌های باستانی آسیای میانه در شمال و محوطه‌های باستانی جنوبی نظیر خوراب، دامین و بمپور بوده و در این بین مهاجرت به شهر سوخته به دلیل موقعیت خاص استراتژیکی (جغرافیایی، تجاری) و شرایط زیست محیطی زیاد بوده و باعث بوجود آمدن طبقات اجتماعی مختلف شده که در عین حال که زیر لوای حکومت مرکزی بسیر می‌بردند دارای یک سری اعتقادات خاص منطقه‌ای بوده و به همین دلیل در شهرسوخته تنوع قبور را می‌بینیم در حالی که در سایر محوطه‌های اطراف چنین نیست. مثلاً نوع قبور سردابه‌ای را در آسیای مرکزی از محوطه‌هایی نظیر ساپالی، جارکوتان، تا حدودی کوزلینکس و ملاعلی داریم که از نظر زمانی تمامی این محوطه‌ها متعلق به دوران مفرغ هستند و قبور دو قسمتی را در بلوچستان پاکستان از محوطه دوران نوسنگی مهرگاره و قبور خشتی هندسی را در شهاد، موندیگک، آلتین تپه و قره تپه داریم.

دو گور ۴۱۰ و ۳۱۱، شواهدی از یک تشریفات و مراسم پیچیده‌تر را ارائه می‌دهند، در اولی که یک گور دو قسمتی مربوط به فاز ۸ است، یک بزغاله در درون یک ظرف بزرگ در سمت جنوبی دیوار جدا کننده قرار داده شده است. در گور ۳۱۱ که یک گور سردابه‌ای فاز ۵ است، بقایای یک بزغاله درون یک کاسه در دالان گور همراه سایر اشیاء دیده می‌شود که به هنگام استفاده از گور برای آخرین بار در آنجا قرار داده شده است.

نوع دیگری از یک مراسم همراه با قربانی کردن بزغاله، توسط گور ۲ و ۱۳۹ نشان داده شده است، هر دو گور از نوع دو قسمتی هستند، اولی به فاز ۵ و دومی به فاز ۷/۸ منتسب شده‌اند، در این گور یک حیوان کامل در قسمتی از گور در جنوب دیوار جداکننده قرار داده شده است اما ممکن نیست که ثابت کرد که آیا این پیشکش‌ها در زمانی که گور بسته شده است اهدا شده و یا اینکه آیا قربانی‌ها در زمانی بعدتر انجام شده‌اند. مشاهدات انجام شده در طی حفاری‌های هیأت ایتالیایی نشان می‌دهد که در حداقل ۶ مورد این حیوانات گاهی بعد از دفن فرد در گور قرار داده شده است بطوریکه جمجمه و بخش فوقانی اسکلت فرد هنگام باز نمودن مجدد گور دستخوش تغییر آرایش و جابجایی شده است. تمام این گورها نشان می‌دهند که فرد متوفی به طبقه اجتماعی مرفه‌تر وابسته بوده است. مهره‌هایی از جنس لاجورد، عقیق و به ندرت از جنس طلا متناوباً در میان این گورها یافت می‌شوند.

نتیجه‌گیری

الف) تحلیل ساختاری قبور

بررسی‌های انجام شده روی قبور حفاری شده توسط گروه باستان‌شناسان ایتالیایی نشان داده است که قبور انواع پنجم تا هشتم در گورستان شهرسوخته بسیار نادر بوده‌اند و مجموعاً ۵ قبر شامل دو نمونه از گروه ششم و یک نمونه گروه‌های پنجم، هفتم و هشتم پیدا شده است. همین بررسی‌ها نشان داده‌اند که تعداد قبور نوع دوم و اول هرکدام با ۹۳ و ۹۲ نمونه بیشترین انواع را تشکیل می‌دهند و بعد از آنها گروه قبور سردابه‌ای با ۱۹ نمونه و قبور شبه سردابه‌ای با ۸ نمونه قرار دارند. بیشتر قبور شهرسوخته مربوط به دوره‌های دوم و سوم استقرار در این شهر هستند.

کتابنامه

سیدسجادی، سیدمنصور؛ ۱۳۶۲: "نگاهی به فرهنگ‌های ناشناخته نیمه شرقی فلات ایران: شهر سوخته"، فروهر، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۷۷.

سیدسجادی، سیدمنصور؛ ۱۳۷۴: **هشت گفتار: باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان**، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

سیدسجادی، سیدمنصور؛ ۱۳۷۸: **شهر سوخته ۱۳۷۶-۱۳۷۸**، زاهدان: چاپ دوم.

سیدسجادی، سیدمنصور و فروزانفر، فرزاد؛ ۱۳۸۰: "نتایج مقدماتی نخستین مطالعات انسان‌شناسی در شهر سوخته (کاوش‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۹)"، **پژوهشنامه، مجموعه مقالات پژوهشی اداره کل میراث فرهنگی استان تهران**، دفتر دوم.

سیدسجادی، سیدمنصور؛ ۱۳۸۲: **راهنمای مختصر آثار باستانی سیستان**، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان، چاپ اول.

کابلی، میرعابدین؛ ۱۳۵۳: "شهداد در هزاره سوم قبل از میلاد"، **دومین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران**، مرکز باستان‌شناسی ایران.

کابلی، میرعابدین؛ ۱۳۶۸: شهداد، شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد ۳.

کنستانینی و سیدسجادی؛ ۱۳۸۲: **مطالعات گیاه باستان‌شناسی در شهر سوخته**، انتشارات معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی کشور.

لیتونیسکی و پیانکووا؛ ۱۳۷۵: "شبانان عصر برنز در دره آمودریا"، **تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی**، صادق ملک شه‌میرزادی، کتابی از یونسکو، بخش دوم از جلد اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.

DeCardi, B.; 1970: "Excavation at Bampur, A third Millennium Settlement in Persian Baluchistan", **Anthropological Papers of the American Museum of Natural History**, New York, Vol. 51, Part 3.

Hakemi, A.; 1997: "Shahdad", **Archaeological Excavations of a Bronze Age**

علاوه بر آن بر اساس مطالعات انسان‌شناسی ترکیب جمعیتی شهرسوخته متنوع بوده است و این نشان دهنده این مطلب است که مردم شهر سوخته از نژاد و طبقات مختلفی بوده و این در معماری قبور بیشتر خود را نشان می‌دهد در حالی که ما این تنوع را در سایر محوطه‌های اطراف شهرسوخته نظیر شهداد، دامین، خوراب و کنارو نمی‌بینیم و قبور از تنوع کمتری برخوردار است.

ب) شیوه‌های تدفین

بر اساس مطالعه و بررسی گورستان‌های منطقه جنوب شرقی ایران و مقایسه آنها با یکدیگر تا حد امکان می‌توان نتیجه گرفت که اقوام مذکور:

- ۱- کلیه مردگان خود را دفن می‌کردند.
- ۲- مردگان خود را به سه شیوه: الف- پهلوی راست ب- پهلوی چپ ج- طاق باز با پاهای خمیده، دفن می‌کردند. دفن مردگان به پهلوی راست بالاترین درصد وضعیت تدفین را به خود اختصاص داده است.
- ۳- معمولاً پاهای دست‌های فرد متوفی را جمع می‌نمودند که این عمل آنها صورت خاصی نداشته است.
- ۴- در قبور منطقه جنوب شرق ایران با توجه به شواهد موجود جمجمه در جهت‌های مختلف قرار داده شده است که عبارتند از جهت‌ها: شرقی- غربی، شمال شرقی - جنوب غربی، شمالی - جنوبی، شمال غربی، شمال شرقی - جنوب غربی، جهت شرقی - غربی، بیشترین جهت تدفین را با ۴۵/۵٪ به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد در هر موقع روز می‌خواستند مردگان را دفن کنند صورت آنها را معمولاً به سمت آفتاب قرار داده و نشان دهنده این مطلب است که آفتاب و نور خورشید در باورهای آنها جایگاهی ویژه داشته است.
- ۵- قربانی کردن بزغاله در عین حال که انعکاسی از یک شرایط اجتماعی ویژه است، بدون شک مربوط به مفاهیم مذهبی و مراسمی است که ریشه در جوامع دامپروری دارد.

یادداشت‌ها

- 1- Coriandrum Satirunl
- 2 - Cuminum Cyminum
- 3 - Khinjukstocks Pistacia Atlantica

Piperno, M. and Salvatori, S.; 1983: "Recent Results and New Perspectives from the Research the Graveyard of Shahr-i Sokhta, Sistan, Iran", **Annali dell Istituto Yniversitario Orientale** 43, 2 Napoli IUO.

Piperno, M.; 1986: "Aspects of Ethnical Multiplicity Across the Shahr-I Sokhta Graveyard", **Orients Antiquus** 25, Roma, CASAVO.

Stien, S.A.; 1937: **Archaeological Reconnaissance in North - Western India and South - Eastern Iran**, London.

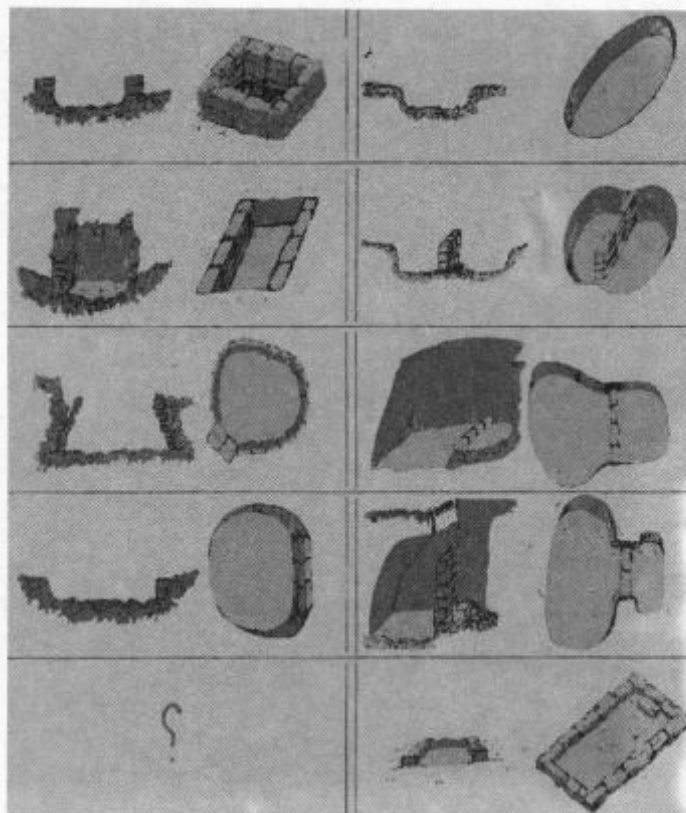
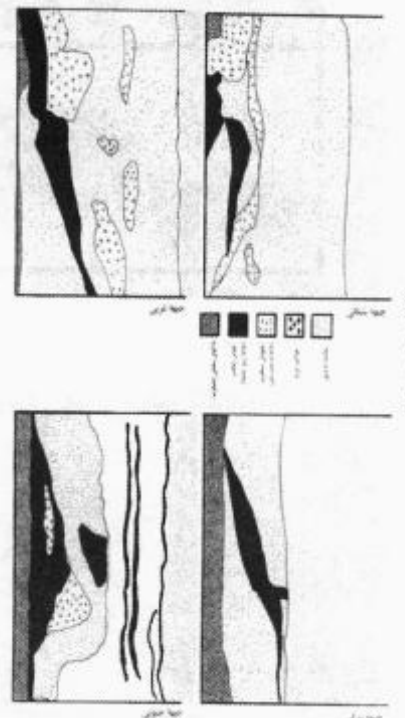
Tosi, M.; 1970: "A Tomb from Domin and Problem of the Bampur Sequence in the Third Mill. B.C.", **East and West**, Vol. 20.

Center in Iran, Translated and Edited by S.M.Sajjadi, ISMEO, Rome.

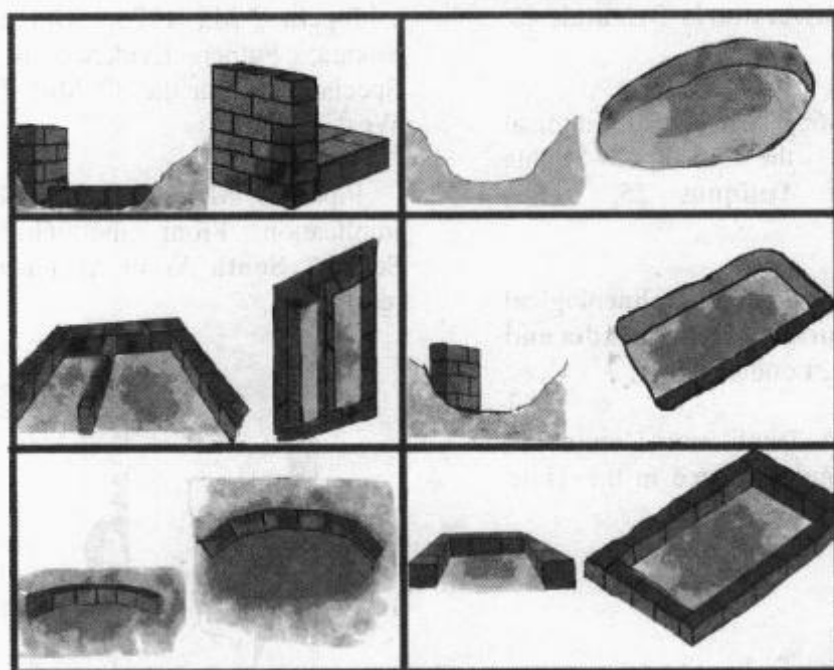
Piperno, M.; 1976: "Grave 77 at Shahr-i Sokhta: Futher Evidence of Technological Specialization in the 3rd Mill. B.C.", **East and West**, Vol. 26.

Piperno, M.; 1977: "Socio - Economic Implication From the Graveyard Shahr-i Sokhta", **South Asian Archaeology**, M. Toddi (ed.).

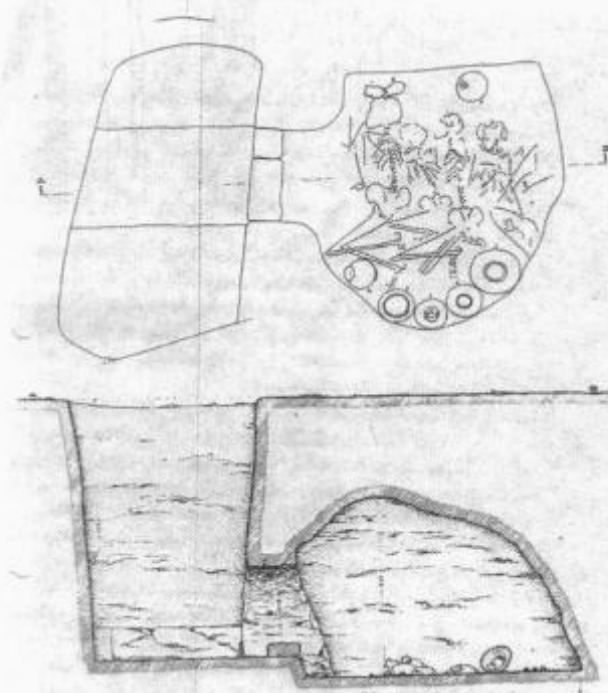
تصویر ۱: مقطع گمانه IPL از چهار جهت (سید سجادی، ۱۳۸۲)



تصویر ۲a: جدول گونه‌های ساختمانی قبور شهر سوخته (سید سجادی، ۱۳۸۲)

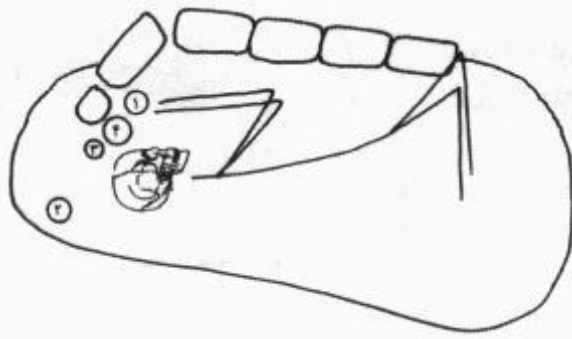
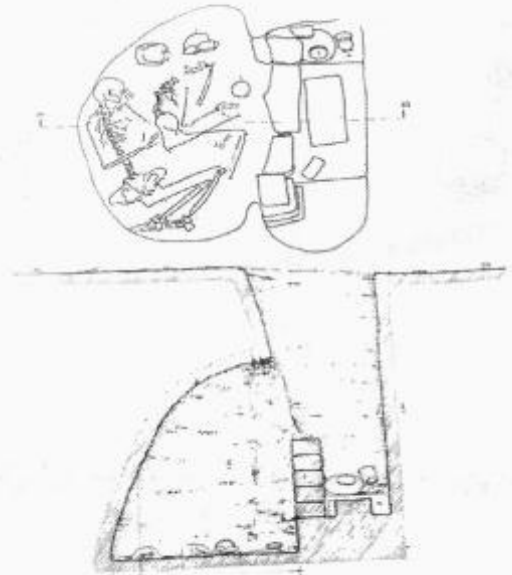


تصویر ۲b: گونه‌های ساختمانی قبور شهداد (تهیه و تنظیم نگارنده)



تصویر ۳: پلان و مقطع تدفین G۴۴ گورستان شهر سوخته (پیرنو، ۱۹۸۶)

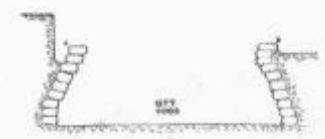
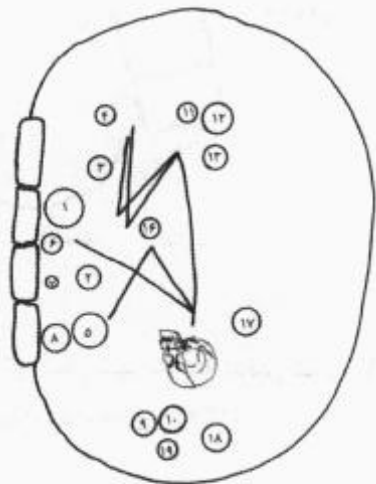
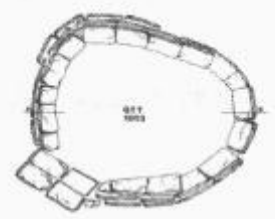
تصویر ۴: گورستان شهر سوخته تدفین شبه سردابه‌ای G19 (پیرنو
۱۹۸۶،)



تصویر ۵: گورستان شهر سوخته تدفین شماره ۱۵۰۴
(سید سجادی، ۱۳۸۲)

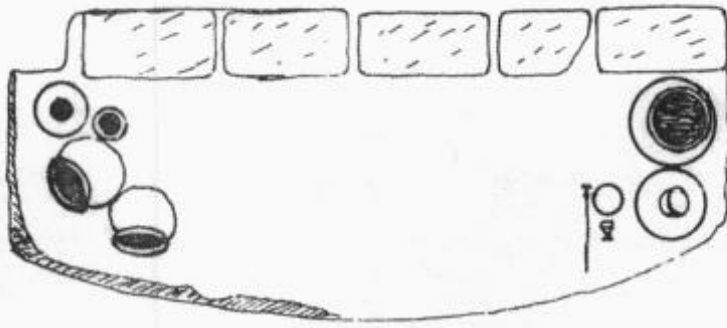


تصویر ۶: گورستان شهر سوخته پلان و مقطع گور دایره ای شکل خشتی G1003.
(طرح از ماریانی، ۱۹۸۳)



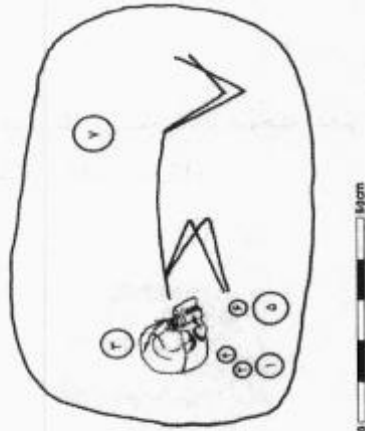
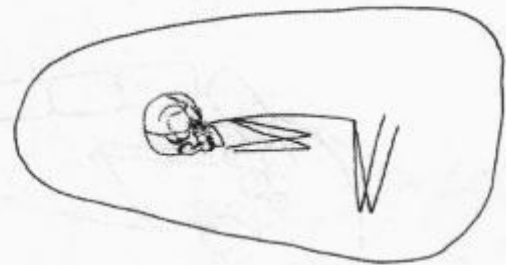
تصویر ۷: گورستان شهر سوخته گور دایره‌ای شکل با در
مسدود ۱۵۰۵. (سید سجادی، ۱۳۸۲)



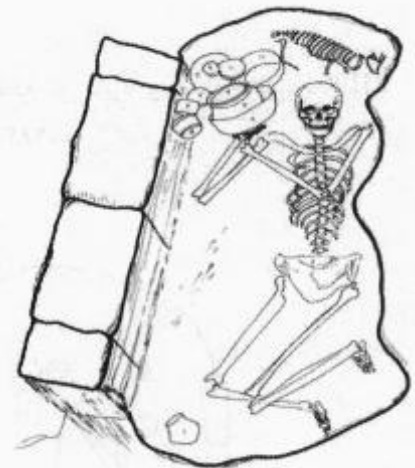


تصویر ۸: گورستان شهداد گور چاله ساده با یک دیواره خشتی در سمت جنوب (حاکمی، ۱۹۹۷)

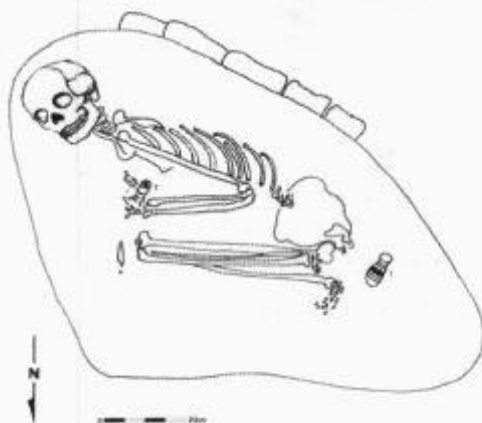
تصویر ۹: گورستان شهر سوخته تدفین گور ۱۲۰۰ جهت غربی - شرقی (سید سجادی، ۱۳۸۲)



تصویر ۱۰: گورستان شهر سوخته تدفین ۲۸۰۷ با پاهای خمیده و دست‌های کاملا جمع شده در جلوی صورت (سید سجادی، ۱۳۸۲)

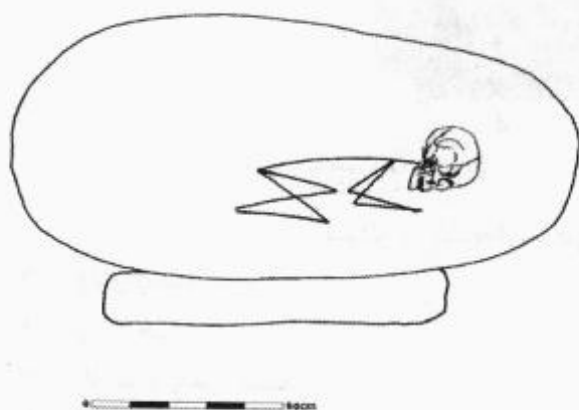


تصویر ۱۱: گورستان شهر سوخته طرح تدفین طاق باز با پاهای خمیده ۲۷۰۲ (سید سجادی، ۱۳۸۲)



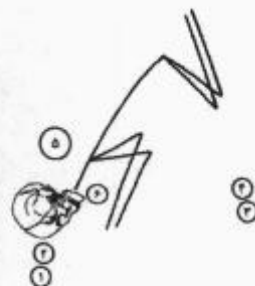
تصویر ۱۲: گورستان شهر سوخته تدفین شماره ۲۹۰۳ جهت شمال غربی - جنوب شرقی (سید سجادی، ۱۳۸۲)

تصویر ۱۳: گورستان شهر سوخته تدفین شماره ۲۹۰۲ جهت شمالی - جنوبی (سید سجادی، ۱۳۸۲)

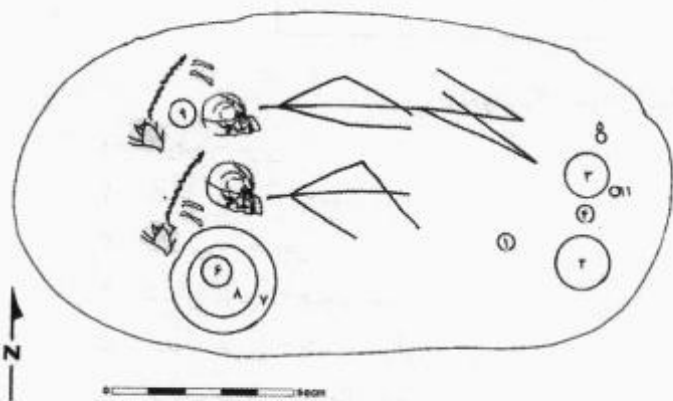


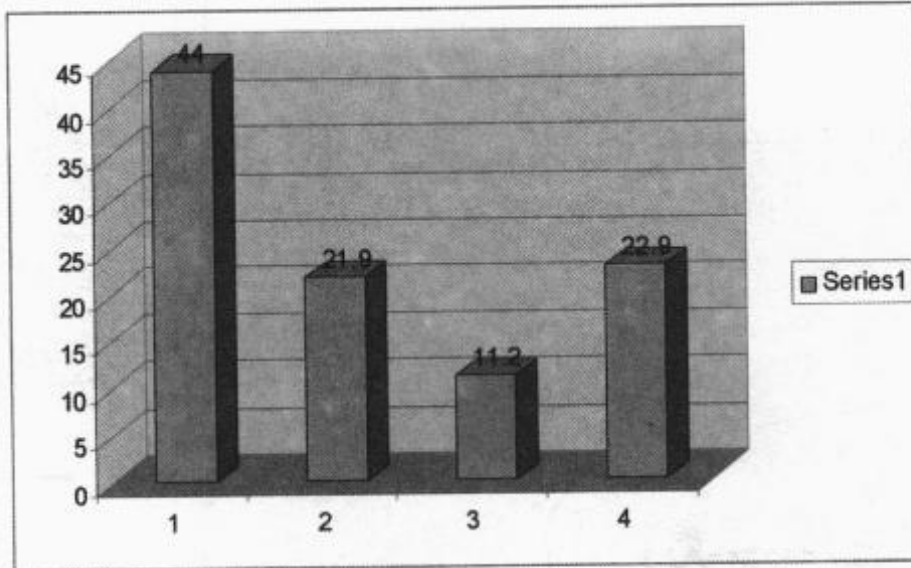
تصویر ۱۴: گورستان شهر سوخته تدفین شماره ۲۸۰۹ جهت شرقی - غربی (سید سجادی، ۱۳۸۲)

تصویر ۱۵: گورستان شهر سوخته تدفین شماره ۱۷۱۰ جهت جنوب غربی - شمال شرقی (سید سجادی، ۱۳۸۲)



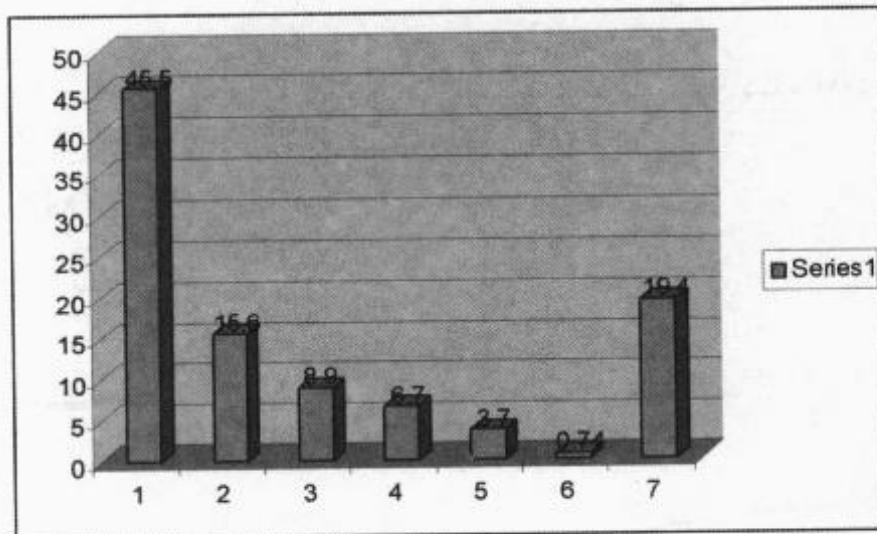
تصویر ۱۶: گورستان شهر سوخته تدفین شماره ۱۴۱۴ همراه با حیوان قربانی (سید سجادی، ۱۳۸۲)





نمودار ۱: شیوه‌های تدفین در گورستان شهر سوخته

- ۱- پهلوی راست
- ۲- پهلوی چپ
- ۳- طاق باز با پاهای خمیده
- ۴- نامشخص



نمودار ۲: نمودار جهات تدفین در گورستان شهر سوخته

- ۱- شرقی - غربی
- ۲- شمال شرقی - جنوب غربی
- ۳- شمالی - جنوبی
- ۴- شمال غربی - جنوب شرقی
- ۵- جنوب غربی - شمال شرقی
- ۶- جنوب شرقی - شمال غربی
- ۷- نامشخص